

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ایشیا تایم آن لاین – مورخ ۱۶ ماه می ۲۰۰۹ م
نویسنده : کامران بخاری
مترجم : ک. پیکار پامیر- تورنتو

گسترش نقش عربستان سعودی در نا بودی جهادیه

"عربستان سعودی نقش عمده و تاریخی در تکامل و پیشرفت جهادیسیم {جهاد خواهی} داشته است. اسباب کلیدی در این زمینه عبارت از نفت، وهابیت و نورم های نیرومند قبیله میباشد. این عوامل در فراهم آوری تسهیلات و رشد تروریسم و تند روی اسلامی در جهان قبل از حملات یازدهم سپتامبر خیلی سودمند بوده است. همین ارکان و اسباب کلیدی بود که به ریاض اجازه داد تا القاعده را از آن کشور براند و هنوز هم همین عوامل و مهره های ذکر شده اند که ریاض میخواهد پس از به دست آوردن پیروزی در جبهه داخلی، نقش بین المللیش را در تقابل با جهادی ها بازی کند که از سوی ایالات متحده امریکا استقبال شده است.

رابرت گیتس وزیر دفاع امریکا، طی یک مسافرت به عربستان سعودی در هفته گذشته اظهار داشت که از به حال آمدن اوضاع پس از شورش های قبیله در کشور سعودی، اثر پذیرفته و این نکته او را متوجه زندانیان یمنی در زندان گوانتانامو بی ساخته است که آنها را به عنوان بخشی از تلاش های واشنگتن غرض مسدود سازی زندان مذکور، غرض نگهداری به کشور عربستان سعودی بفرستد. این کشور اگر نتواند وظیفه را بگونه بهتر انجام دهد، آنرا لا اقل به صورت خوبی ایفا خواهد نمود. رابرت گیتس از مقامات سعودی خواسته است پاکستان را در تلاشهای اخیرش بر ضد طالبان مساعدت نماید، چنانکه ریاض غرض حل قضیه میان طالبان، افغانستان و پاکستان نقش بازی میکند. عربستان سعودی واضحاً در فعالیتهای ضد تروریسم و تند روی های اسلامی، نقش رهبری کننده را به عهده دارد. فهم این نکته مهم است تا معلوم شود ریاض چه راه هایی را در پیش گرفت و از کدام امکانات استفاده کرد که در این زمینه (در داخل کشور خودش) موفق گردید و این وسیله ها را چگونه در سطح خارجی به کار میتوان بست؟

موفقیت داخلی سعودی علیه جهادیه: عربستان سعودی در معامله با تند روان مذهبی و شورشیان مسلح، تجارب کافی دارد. چنانکه مبارزه مقامات سعودی علیه القاعده در شبه جزیره عربستان بیانگر این حقیقت میباشد.

شاه عبدالعزيز مؤسس خانواده سعود در عربستان نیز با عین اوضاع در سال ۱۹۲۰م رو برو شد. اوضاعی که همین اکنون پاکستان بدان مواجه است. یعنی در آن سالها با ملیشه های تند رو مذهبی نوع قبايلي (وهابی ها) در گیر شد. ولی بعداً آنها را که به نام اخوان یاد میشدند، مورد استفاده قرار داد. پاکستانی ها، جهادی ها را به عنوان ابزار سیاست خارجی شان علیه هند و افغانستان پروریدند، تند روان مذهبی یا اخوان سعودی نیز عبدالعزيز را کمک کردند تا پیروز شد. درحالیکه عبدالعزيز به پیروزی در سایر نواحی علاقه مند نبود، ولی اخوان، جاه طلبی های وسیع تری داشت. آنها (اخوانی ها) میخواستند جهاد شان را تا سر زمین عراق که سپس بریتانیا بر آن کنترل قائم کرد، گسترش دهند. حال، پاکستان پس از حملات یازدهم سپتامبر، میان امریکا و ملیشه های اسلامی قرار گرفته است و همان طوریکه رژیم سلطنتی سعودی در موقع پیدایش خویش، یا باید طرف اخوان را میگرفت و یا موضع متحدان قدرتمندش را التزام میکرد. شاه عبدالعزيز بالاخره جهت بریتانیا را گرفت و به همین ترتیب، شورشیان اخوان را شکست داد.

بطرو دالر: آنچه گفته آمد مربوط به قبل از دسترسی عربستان سعودی به نفت می شود. این، در سالهای بعد بود که مملکت مذکور به عنوان سر زمین ثروتمند شناخته شد. در آن زمان، یگانه وسیله ای که در اختیار بود و بگونه احسن علیه اخوان به کار گرفته شد، همانا مذهب بود. همین وسیله بود که در سال ۱۷۰۰ میلادی نقش کلیدی را در ساختار کشور سعودی بازی کرد. اختلاط مذهب با فرهنگ قبیله و مراودات فامیلی، قرار داد نیرومند اجتماعی در رابطه با خانواده سلطنتی محمد بن عبدالوهاب بنیان گذار مذهب وهابیت و توده های مردم را به وجود آورد. سعودی وهابی و متحدان آن، کشور را به اساس وهابیت ایجاد کرده و قانونمند ساختند، چنانکه خانواده سلطنتی، هرزمانیکه اخوان سر بلند کرده، آنرا غرض جلو گیری از اختلاف عقیده و نفاق به کار گرفته است. این اختلاف وقتی در سال ۱۹۷۹م به صورت جدی متبارز شد که یک گروپ مسلح وهابی خانه کعبه را اشغال کردند و پیامد های آن هم در سالهای (۹۰-۹۱) هنگام جنگ خلیج و سالهای (۲۰۰۳-۲۰۰۴ میلادی) در شورش القاعده نمایان گشت. . . اما خلاف سایر کشور ها، عربستان سعودی توان رام کردن قبایل مذهب گرا، تأمین امنیت و کنترل اموربازرگانی مملکت بر ضد مخالفان اسلامی را دارد.

مذهب و نظام قبیله: راز موفقیت عربستان سعودی در آن است که سلاح نیرومند مذهب را برضد خود مذهبیون به کار گرفته. . . در حالیکه ایجاد همین مذهب، منبع تند روی های زیادی در عربستان سعودی و اکناف جهان بوده است، اما برای خود این کشور، ابزار قوی بوده تا اختلافات عقیده تی را سر کوب نموده رژیم را بر سر اقتدار نگهدارد. فطرت قبیله در جامعه سعودی با نورم های اطاعتگرانه آن، از قدرت بالائی برخوردار است که ابزاردست داشته رژیم را مکمل مینماید. علمای سعودی که از سوی قبایل حمایت میشوند، مطابق قرآن تأکید میکنند که مردم باید از حاکمان تا آزمان که از اسلام دفاع مینمایند، اطاعت به عمل آورند. یکی دیگر از نورم های مهم نظام قبیله و اعتقاد مذهبی آن، اجتناب از ایجاد هرج و مرج اجتماعی است که مقامات آن کشور را کمک می کند تا مخالفان اسلامی را از سایر افراد جامعه جدا ساخته استدلال کند که فعالیت های آنها (جهادیه)، هرج و مرج درجامعه را دامن می زند. ساختار اجتماعی قبیله به شیخ یا رئیس آن اجازه میدهد تا از نیروی قبیله به نام طایفه و خانواده برضد شورشیان سدی بسازد. . . قبایل با مقامات حکومتی در عملیات ضد شورشیان مدد گاری می کنند. . در عین زمان، کار برد بعضی از نورم های قبیله یی گاهگاهی موجب میشود تا ملیشه های مذهبی به قدر کافی در میان قبیله نفوذ نموده و بعداً خیزش موفقانه انجام دهند. عربستان سعودی تجربه کافی دو صد و پنجاه ساله در استفاده سیاسی از قبایل را دارد. از افت وخیز سالهای ۱۷۴۴ تا ۱۸۱۸ میلادی، از سالهای ۱۸۲۴ تا ۱۸۹۱ میلادی

کشور سعودی و بنیان گذار نظام سلطنتی جدید (فامیل آل سعود) در سال ۱۹۰۰ میلادی قادر شد اتحاد قبایل مختلف آن کشور را به وجود آورد.

قبل از رویداد یازدهم سپتامبر، یکی از ستراتیژی های سعودی در رابطه با ایجاد وهابیت آن بود که خودش را در سطح تند روی غیر قابل تحمل و در رهبری بنیاد گرایانه در میدان جنگ افغانستان ؛ آسیای مرکزی ، بالکان و مناطق قفقاز به نمایش گذارد حتی در قبال تجاوز امریکا به عراق در سال ۲۰۰۳م عربستان سعودی همین ستراتیژی را به خاطر دفع مشکلات داخلی و جلوگیری از نفوذ ایران و اتحاد اهل تشیع در عراق به کار بست . اما ، تنش میان سعودی و ایالات متحده پس از حادثه یازدهم سپتامبر بدان جا رسید که ریاض سنگینی آنرا درک کرد و شاه عبدالله در برابر این قضیه با آوردن ریفرم در سطح دولتی و اجتماعی برخورد نموده تا حال رو به تکامل میباشد. مقصد از ریفرم ها هم جلوگیری از پیشرفت بیشتر بنیاد گرایی بود. بلند رفتن قیمت نفت تا جولای ۲۰۰۸م به آن کشور توان آنرا داد تا در بخش کند سازی ابتکارات جهادیها سرمایه گذاری نماید. مگر بدون توجه به تأسیسات نیرومند مذهبی ، پول به تنهایی نمیتواند سعودی را کامیاب بسازد. کار از طریق تأسیسات مذهبی ، نقش کلیدی در بر حالی و موفقیت برنامه ها خواهد داشت.

در عین حال منابع مالی ، دانشمندان و تکنالوژی هم نقش خود شان را در عادی سازی اوضاع و برگرداندن نسل جوان از اندیشه های تند روانه ایفا خواهد کرد. چنانکه تذکر رفت ، این پروسه هنوز رو به گسترش بوده تکرار جنایات هم صورت گرفته است . منحیث مثال، سید علی الشیری به عنوان رهبر جهادیهای یمن و جزایر عرب تبارز کرد . باز هم ، توانمندی مقامات سعودی مبنی بر تضعیف نیروی جهادیها در مملکت و جلوگیری از نتایج منفی ریفرم های انجام شده علیه بنیاد گرایی برجستگی خودش را دارد.

انعکاس موفقیت سعودی علیه جهادیها : مبارزه عربستان سعودی در ضدیت با جهادیها و موقعیت مالی و مذهبی آن به مثابه رهبر جهان اسلام، ایالات متحده امریکا را متقاعد ساخت تا از ریاض به خاطر مقابله با ینیدگرایان یمن ، افغانستان و پاکستان تقاضای همکاری به عمل آورد.

یمن : اولین اقدامی که باید صورت میگرفت، در مرز های جنوبی عربستان سعودی بود. یمن مرکز توجه و محل فعالیت جهادیها واقع گردید که آنان از عراق، سومالی و جا های دیگر در تحت یک اداره جدید، دو باره سازی می شدند. این جریان، کشور را با نا آرامی و نا امنی مواجه ساخته و ضعف روز تا روز آن، این نگرانی را به بار آورد که بی ثباتی در منطقه گسترش خواهد یافت. مثلا، تقسیم یمن به شمال و جنوب ، رقابت گرایش های دو گانه ی ملی را برانگیخت و نتیجه هم چنین شد که سنا (مرکز یمن) و ریاض (مرکز سعودی) به سوی همکاری و همسوئی حرکت نمایند. به ویژه در بخش قضیه جهادیها، ریاض امور مالی و مشاوره را به عهده گرفت. عربستان سعودی در قسمت مذهب و داشتن ارتباط مذهبی دست بالائی دارد و یمن به رهبران مذهبی (سلفی و جهادی) متکی میباشد که نهاد های امنیتی را در اختیار دارند. یمن از نظر مذهبی با عربستان سعودی هم زیستی ندارد، در حالیکه عربستان سعودی نهاد های قوی را در دست دارد که با استفاده از ردای وهابیت میتواند جهادیها را منزوی سازد. یمن باید یک بدیل مذهبی را تقویت کند تا بتواند در برابر افکار و اندیشه های دینی که توسط جهادیها مطرح است پیروز مندانه مقابله نماید. تربیت نسل جدید و به کار گیری آنها در مسیر اصلی هویت ملی ، زمان درازی را احتوا می کند، حتی در کشور هایی که منابع عظیمی را وقف رسیدن به چنین هدفها می نمایند، نیز همین محدودیت ها وجود دارد. معنی این جمله اینست که مثلا، یمن با محدودیت هایی غرض حصول پیروزی در برابر تروریسم و بنیاد گرایی مواجه بوده معلوم نیست چقدر وقت و زمان را در بر خواهد گرفت تا در این مورد موفقیت به دست آورد.

افغانستان و پاکستان : عربستان سعودی از نفوذ غیر متناسب (نا متجانس) بالای افغانستان و پاکستان برخوردار است. شهزاده (مقرن) رئیس شبکه اطلاعات (سازمان جاسوسی سعودی) اخیراً تلاشی را مبنی بر مذاکرات با طالبان به راه انداخته است. همچنان در ماه های اخیر، وزیر امور داخله و دو تن از ژنرالان نظامی پاکستان سفری به ریاض داشتند. این مسافرت، نه تنها به منظور به دست آوردن مساعدتهای مالی، بلکه به خاطر جلب همکاری ریاض در جهت حل مشکل ناشی از جنگ با طالبان نیز صورت پذیرفت. واقعیت های موجود میان افغانستان و پاکستان، مشکلات این دو کشور را بیشتر از یمن که با سعودی وجوه مشترک اجتماعی دارد، متبازر می سازد. اوضاع امنیتی میان افغانستان و پاکستان در سطح پیشرفته تری رو به خرابی میباشد. هردو همسایه آسیای جنوبی با شورش مخالفان مواجه اند، این وضع باعث میشود که احترام متقابل و مقابله ها میان دو کشور، مؤثریت خودش را حفظ کرده نتواند. چنین اوضاع خاص، عربستان سعودی را بیشتر از هر وقت دیگر با مشکل مواجه ساخته است، مشکلی که با وضع یمن هم متفاوت است. در جبهه مذهبی، در افغانستان و پاکستان از نظر کار بالای نهاد های مذکور کمبود وجود دارد. هر دو کشور با مذاهب متنوع سر و کار دارند که از سوی گروه های اسلامی با چشم انداز های متفاوت به کار گرفته می شود. در هردو مملکت، علمای مذهبی به بخشهای مختلف منقسم شده اند، در حالیکه در سعودی و یمن تنها هوا خواهان مذهب وهابی و سلفی متبازر اند. مگر در میان طالبان و سایر ملیشه های اسلامی، جنبش دیوبندی در حال نضج گرفتن میباشد که مذهب اهل تشیع در آسیای جنوبی را به مصاف می طلبد. همچنان از نگاه اجتماعی، در هردو کشور آسیائی (افغانستان و پاکستان) قبیایلی به سر میبرند که با مقایسه با ممالک عربی بسیار ضعیف هستند. در افغانستان، رئیس قبیله در موقعیتی نیست که به قدرت لازم مبدل شود، زیرا در آنجا ملا ها و فرماندهان ملیشه ها وجود دارند. در پاکستان، قبايل، محدود به مناطق پشتون نشین اند، در آنجا، ملا ها و ملیشه ها حتا قدرت رؤسای قبايل را به قدر کافی تضعیف کرده اند. فکتور های ذکر شده، این سوال را به میان می آورد که عربستان سعودی چقدر خواهد توانست کابل و اسلام آباد را در مبارزه علیه تند روان مذهبی کمک نماید؟ روی همین دلایل است که سعودی سعی به خرچ میدهد تا زمینه ساز مذاکره بین طالبان و رژیم کرزی گردد. اما، تصور نه می رود سعودی در این مورد زیاد موفق باشد، زیرا عناصر طالبی و ملا عمر رهبر آنها پیشنهاد مذاکره با رژیم کرزی را رد می کنند، چون فکر می نمایند در جدال های جاری دست بالا دارند و جهان غرب در افغانستان دیر نخواهد ماند. سعودی ها در پاکستان تلاش دارند تا رضایت جوانب مختلف روی یک سازش با ملیشه ها را حاصل نمایند. عربستان، رشته های محکمی با پاکستان دارد، به خصوص با نظامیان آن کشور و حزب مسلم لیک به رهبری نواز شریف صدراعظم پیشین، همچنان با چندین حزب سیاسی- اسلامی دیگر. پس سعودی خواهد توانست در فرجام، با استفاده از نیروی مادی و مذهبی خویش، منابع قدرتمند پاکستان را متقاعد به پذیرش ابتکارات خویش سازد. . . شاید سعودی نتواند کابل و اسلام آباد را در نابودسازی کامل تخطی ها یاری رساند، اما ممکن است بتواند تند روی های جهادیه را با نزدیک سازی اندیشه های دیوبندی با افکار وهابیت، کاهش دهد. . . "

یادداشت مترجم : کامران بخاری این مقاله را یا از روی خوشبینی زیاد و یا به اساس ملاحظات خاص سیاسی و یا شاید هم در اثر ایما و اشاره سازمان استخبارات عربستان سعودی رقم زده باشد. در حالیکه مقامات مرتجع عربستان سعودی نه تنها هرگز در روند فرو نشاندن موج اخوانیت، تروریسم و تند روی های مذهبی در کشور های اسلامی سهم نگرفته، بلکه در ایجاد، ترویج، تقویت و تشجیع راه و رسم ضد انسانی مذکور، به خصوص در افغانستان و پاکستان نقش کلیدی داشته است. رژیم سلطنتی سعودی حتا پس از حادثه یازدهم سپتامبر نیز، از کانال

سازمان استخبارات خویش (جی . آی . دی) در احیا و فعال سازی مجدد گروه طالبان و القاعده در منطقه سرمایه گذاری بزرگی به عمل آورده است . تمویل احزاب بنیاد گرای مذهبی در پاکستان ، تأسیس صدها مدرسه دینی و مذهبی در آن کشور (و اقدامات اخیرمدرسه گرائی آنها در کشور عزیز ما) آموزش و پرورش عناصر وهابی در هردو مملکت (افغانستان وپاکستان) ، ترویج تاریک اندیشی و تمدن ستیزی و به راه انداختن حمام های خون در سر زمین های غمزه ما، حاصل کارهمین رژیم به اصطلاح اسلامی عربستان سعودی می باشد. رژیم مذکور در پناه پول سرسام آورنفت خود، هرگز از اعمال نفوذ درکشور ها ، رهبری و به کار اندازی نیرو های واپس گرای مذهبی و سرکوب بیرحمانه هرنوع حرکت ترقیخواهانه و دموکراتیک از مجرا های ظاهر ا مذهبی و "شریعتدارانه" نوع طالبی درمناطق مختلف جهان دریغ نخواهد کرد .